زیر آسمان فیروزه‌ای

نمایشگاه «ابر» به‌نفع کودکان

● **شرق:** نمایشگاه عکس «مجید پازوکی» با عنوان «ابر» با حضور هنرمندان سینما و موسیقی کشور، به‌نفع حمایت از کودکان نیازمند افتتاح شد. این نمایشگاه اول خرداد با حضور هنرمندان سینما و موسیقی ازجمله «مسعود جعفری‌جوزانی»، «شهاب حسینی»، «هنگامه قاضیانی»، «نادر مشایخی»، «صدیق‌تعریف» و ... افتتاح و با استقبال خوب علاقه‌مندان عکاسی مواجه شد. عواید حاصل از فروش این آثار، صرف امور خیریه خواهد شد. این نمایشگاه تا ۱۳ خردادماه از ساعت چهار بعدازظهر تا ۱۰ شب در کافه گالری ویونا به نشانی خیابان ولیعصر، روبه‌روی بزرگراه نیایش، خیابان اسفندیار، موزه امام‌علی(ع) پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود.

بنی‌اعتماد داور جشنواره «هیلاج»

● **شرق:** بخش فیلم کوتاه دومین جشنواره فیلم و تئاتر هیلاج، جمعه اول خرداد با داوری رخشان بنی‌اعتماد در مدرسه فیلم‌سازی و پژوهش‌های سینمایی هیلاج انجام شد. ۲۰ فیلم شامل پنج فیلم مستند و ۱۵ فیلم داستانی به بخش مسابقه راه یافتند و مورد داوری قرار گرفتند. سعید عقیقی، حسن حسندوست، یاشار نورایی و امیرشهاب رضویان دیگر اعضای هیأت‌داوران بخش فیلم دومین جشنواره فیلم و تئاتر هیلاج هستند. دومین جشنواره فیلم و تئاتر هیلاج، هفتم و هشتم خردادماه در پردیس سینمایی کورش برگزار می‌شود.

ادامه از صفحه ۹

می‌خواهم از فرهنگم دفاع کنم

● مثل کسانی که تنبور را مد کرده‌اند یا کسانی که می‌خواهند تنبور را به سبک گیتار پاکو دلوچیا بزنند. می‌خواهم از این فرهنگ دفاع کنم مثل آدم پیری که می‌خواهد از قلعه‌ای که به او واگذار شده دفاع کند و چقدر می‌تواند موفق باشد معلوم نیست. سال‌هاست وزارت ارشاد که موسیقی زیر نظر آن است هیچ کاری نمی‌کند. یک‌بار پیشنهاد دادم و باز هم پیشنهاد می‌دهم و شما با خط بزرگ بنویسید: بهتر است قضیه‌ای که هنوز در آن شک هست و کل موسیقی را به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تحویل دهند. به نظر من موسیقی سنتی و موسیقی مقامی را به‌عنوان یک میراث فرهنگی باید به میراث فرهنگی تحویل دهند که وزارت ارشاد اسلامی نیز از این شرایط در بیاید. در چنین شرایطی می‌شود بودجه‌ای برای این کار کنار گذاشت. یعنی از کارهایی که فاخرند حمایت بشود که حداقل این سوسوی چراغ از بین نرود. با توجه به بی‌توجهی‌هایی که به موسیقی ما می‌شود متأسفانه در خیلی از مکان‌ها می‌بینیم یک استاد خیلی قدیمی را در کنار بچه‌هایی که خیلی مبتدی کار می‌کنند می‌گذارند و از هر دوی این افراد در یک سالن و برنامه قدردانی می‌کنند. موسیقی مقامی را به‌طور کلی فراموش کرده‌اند؛ مثل جشنواره موسیقی جوان. برای کسانی که در واقع باید آینده مملکت را شکل دهند و در دست بگیرند موسیقی سنتی، موسیقی کلاسیک غربی و موسیقی پاپ می‌گذارند؛ پس موسیقی مقامی کشور کجا رفته است.

◣ با توجه به اینکه سال‌ها پیش شما در منطقه خود اقدام به احداث مدرسه تنبور کرده‌اید آیا این مدرسه شروع به فعالیت کرده؟

حدود ۱۰سال پیش در روستای پدری‌ام مکانی را به‌عنوان خانه تنبور احداث کردم که بعدها دولت قبلی که سر کار آمد به مدرسه گیر داد و هزار تا حرف زدند و انگ زدند و کار خوابید و حالا در دولت آقای روحانی دوباره از نو رفتیم با مسئولان استانداری و وزارت ارشاد صحبت کردیم. پرونده این کار در دست بررسی است. هنوز بعد از یک‌سال و خرده‌ای جواب مشخصی نداده‌اند.

◣ با توجه به کارهایی که با کیهان کلهر مانند آلبوم «آیینه آسمان» انجام دادید و موفقیت و استقبالی که از این کارها شد آیا دوباره چنین کارهایی تکرار می‌شوند؟

باید ببینیم قسمت چه می‌شود. اگه شرایط فراهم باشد که عالی است. ببینید چنین کارهایی در هم‌نشینی به دست می‌آید وقتی دیدارها پنج سال به پنج سال و بیشتر از آن باشد و یکدیگر را نبینیم چطور کارها را انجام دهیم.

به بهانه زادروز پدر تئاتر مدرن ایران، سومین جشن آکادمی سمندریان برگزار شد

مدال سمندریان بر سینه رضایی‌راد و معجونی

عکس: بابک برزویه

عسل عباسیان: اردیبهشت ماهِ باران‌های ناگهان است؛ و درست در نخستین روز پس از اردیبهشت، درست شبی که با تأخیری چندروزه خانواده و دوستان حمید سمندریان، ۸۴ سالگی این استاد تئاتر را در فضای باز عمارت مسعودیه به جشن نشسته بودند، بارانی ناگهان، سنگفرش‌های عمارت مسعودیه را خیس کرد. در شبی که سومین جشن سالانه آکادمی سمندریان به همت هما روستا و پسرش کاوه سمندریان برگزار می‌شد، تئاتر عزادار عضوی دیگر از خانواده خود بود؛ مصطفی عبداللهی صحنه را ترک کرده بود و به‌همین‌سبب حاضران جشن تولد سمندریان به احترام او از جا برخاستند و دقایقی را در سکوت گذراندند. در این مراسم که با حضور هنرمندانی همچون عباس جوانمرد، علی رفیعی، حسن فتحی، جعفر پناهی، رؤیا تیموریان، مسعود رایگان، محسن شاه‌ابراهیمی، هرمز هدایت، امیررضا کوهستانی، رضا بابک، علی‌اصغر دشتی، باران کوثری، کتایون ریاحی، الهام کردا، جمال اجلالی، عاطفه رضوی، مهدی پاکدل، سعید چنگیزیان، بهناز جعفری، لیلی فرهادپور، حمید پورآذری، امیر اسمی، همایون غنی‌زاه، مهین صدری، نسیم احمدپور، شهرام مکری، احمد ساعتچیان و... برگزار شد، خبر خوبی هم به حاضران داده شد؛ خبر ساخت سالن تئاتر مستقلی توسط همایون غنی‌زاده در خیابان ولیعصر، حوالی پارک ساعی که به پاس عمری فعالیت هنری هما روستا، با ظرفیت ۱۷۰ نفر، سالن «هما» نام خواهد گرفت. در سومین جشن سالانه آکادمی سمندریان همچنین محمدعلی سجادی، فیلم‌ساز و یکی از مدرسان آموزشگاه سمندریان با بیان خاطراتی گفت: «بدون اغراق و تواضع ساختگی، باید بگویم بسیار از حمید سمندریان آموختم. از او یاد گرفتم که همیشه باید یاد گرفت و این یکی از دلایل ماندگاری استاد است. چراکه جدای از تأثیر ایشان بر تئاتر مدرن، آقای سمندریان همیشه به‌روز بود و دانسته‌هایش را تازه می‌کرد و اینچنین بود که هرگز حس نکردم ایشان جوان نیستند». این فیلم‌ساز که مستند «حمید هما» را درباره زندگی سمندریان و همسرش، هما روستا، ساخته است، همچنین گفت: «در جریان ساخت این فیلم، با ابعاد دیگری از شخصیت ایشان آشنا شدم و بسیار از ایشان آموختم». سپس ساسان پیروز به نمایندگی از اهالی آکادمی سمندریان، نامزدهای نهایی این دوره جایزه آکادمی سمندریان را بدون ترتیب معرفی کرد: «نغمه ثمینی، عباس جوانمرد، محمد چرمشیر، جشنواره «مونولیو»، انتشارات «بیدگل»، علیرضا نادری، امیررضا کوهستانی، فرزان سجودی، تماشاخانه «باران» و محمد رضایی‌راد». هما روستا بر صحنه فراخوانده شد و برگزیدگان معرفی شدند.

روستا در سخنان کوتاهی گفت: «هرسال در سالروز تولد حمید و به یاد او جمع می‌شویم و این مراسم باید سال‌های‌سال ادامه پیدا کند. از دوستانم که کنارم بودند، بسیار سپاس‌گزارم چون اگر آنها نبودند، نمی‌توانستم این جشن و آکادمی سمندریان را حفظ کنم» و در ادامه از حمید لبخنده، کارگردان و یکی از استادان قدیمی آموزشگاه سمندریان، که در نبود سمندریان برای این آموزشگاه زحمات زیادی کشیده است، تقدیر ویژه شد. سپس نخستین مدال آکادمی سمندریان به محمد رضایی‌راد، نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان، تئاتر اهدا شد. رضایی‌راد در سخنانی گفت: «به روح بزرگ حمید سمندریان درود می‌فرستم.» رضایی‌راد، کارگردان و نمایشنامه‌نویسی که چند سال اجازه کار نداشته و نمایش‌هایی را در خانه اجرا کرده است، اضافه کرد: این جایزه متعلق به من نیست بلکه به کسانی تعلق دارد که سال‌ها کنار من بودند؛ اعضای گروه تئاتر «خانه» که زیر بار منت تک‌تک آنها هستم. شاید این سؤال برایتان پیش بیاید که من در این سال‌ها کجا بودم، باید بگویم خانه بودم و در خانه کار می‌کردم.» سپس دومین مدالِ سومین دوره آکادمی سمندریان به گروه تئاتر «لیو» به سرپرستی محمدحسن معجونی اهدا شد. معجونی که سال‌هاست با همراهی این گروه جشنواره تک‌گویی را به نام «مونولیو» برگزار می‌کند و این جایزه به‌خاطر همین جشنواره به او اهدا شده بود، گفت: «سال گذشته خیلی تلاش کردم به‌دلیل حضور خودم در هیأت‌مدیره آکادمی سمندریان، زیراب جایزه را بزنم و این جایزه را نگیرم! اما امسال فکر کردم این جایزه به من ارتباطی ندارد، چون جشنواره راه خود را ادامه می‌دهد چه من باشم و چه نباشم. این مدال برایم باعث افتخار است زیرا آن را از جایی می‌گیرم که هیچ اولویتی به جز تئاتر برایشان وجود ندارد».

در شرایطی که توفان و تندباد، برای لحظاتی برنامه را قطع کرد، از حسین پاکدل دعوت شد تا پشت تریبون بیاید و خاطره‌ای را درباره حمید سمندریان تعریف کند. این هنرمند تئاتر که سال‌ها پیش مدیریت تئاتر شهر را برعهده داشت، خاطره‌ای از آن دوران را برای جمع تعریف کرد: «یکی از ویژگی‌های استاد سمندریان این بود که همواره بی‌نیاز بود. هرگز در حضور سمندریان نمی‌شنیدیم که از همکارش بد بگوید. او یا از همکارانش حرف نمی‌زند یا اگر می‌گفت، خوب می‌گفت. یاد حمید سمندریان بخیر که همیشه خیر همه را می‌خواست». و بعد پاکدل، از جوانی گفت که در زمان اجرای «بازی استریندبرگ» حمید سمندریان، نزد او آمده و به او گفته اگر همان امکاناتی که به سمندریان داده شده، به آن جوان هم داده شود، او شاهکار خلق خواهد کرد. پاکدل هم از آن جوان خواسته مایحتاجش را بنویسد و زیر نوشته او دستور رسیدگی به خواست‌های او را برای ۴۰ سال بعد داده! در پایان برنامه، پیش از پذیرایی شام و اجرای موسیقی زنده توسط یک هنرمند آکاردئون‌نواز، رسول صادقی، مجری برنامه، خبر داد که مجموعه آکادمی سمندریان و آموزشگاه به کوشش امید روشن به یک جای بزرگ‌تر منتقل خواهد شد و این‌چنین در میان رگبارهای بهاری که شمع تولد استاد را در ابتدای سنگفرش‌های مسیری که به حیاط اصلی عمارت می‌خورد، خاموش می‌کرد، میهمانان پس از صرف کیک ۸۴ سالگیِ پدر تئاتر مدرن ایران، ضیافت تولد او را ترک می‌گفتند.

از تئاتر شهر به قطعه هنرمندان

بدرقه «عبداللهی» به خانه ابدی

عکس: امین خسروشاهی

شرق: مبارزه ۱۴ساله مصطفی عبداللهی با سرطان، از او تصویری ساخت تا بعد از مرگش نیز این موضوع، محور صحبت‌های دوستان و همکارانش باشد. مراسم تشییع پیکر مصطفی عبداللهی، هنرمند تئاتر، صبح شنبه، دوم خرداد از مقابل تئاتر شهر برگزار شد. عبداللهی به دلیل وخامت بیماری سرطان در روزهای گذشته موفق نشده بود نمایش «در اعماق» را روی صحنه ببرد و به‌همین‌دلیل میکائیل شهرستانی، از دوستان نزدیک او، کارگردانی این اثر را برعهده داشت. شهرستانی اولین سخنران مراسم نیز بود که از تأثرش نسبت به مرگ عبداللهی گفت: «هرگز فکر نمی‌کردم روزی برسد که بالای سر جسم بی‌جان برادرم مصطفی بایستم و گرداننده چنین مجلسی باشم. او تلاش کرد وظیفه انسانی و فرهنگی خود را تا آخرین لحظه انجام دهد، طوری که درباره آخرین اثرش که این‌روزها در تئاتر شهر اجرا می‌شود، اگر پیشنهادی می‌خواستیم، با وجود ناخوش‌احوالی چشمانش را باز می‌کرد و پاسخ می‌داد».او سپس به علاقه عبداللهی به تئاتر اشاره کرد: «تئاتر برای ما و مصطفی هم درد است و هم درمان، اما خواهش می‌کنم خودتان را آزار ندهید. من دلم تنگ می‌شود، اما غصه‌اش را نمی‌خورم. چون او در روزهای پایانی عمرش بسیار رنج کشید». قطب‌الدین صادقی، همکار و از دوستان قدیمی عبداللهی، در بخش دیگری از این مراسم سخنرانی کرد. ایرج راد، مدیرعامل خانه تئاتر، در ادامه مراسم گفت: «می‌خواهم از شرافت تئاتری، هنرمند تئاتر و احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی هنرمند تئاتر حرف بزنم که به‌دور از اداواطوارها کار فرهنگی می‌کند. از هنرمندی که به‌دور از حاشیه‌ها به زندگی هنری خود ادامه می‌دهد و مصطفی عبداللهی شاخصه‌ای از این دست هنرمندان بود. با تمام رنج بیماری، با عشق به مردم در راه عشق به مملکت کوشید و تا آخرین لحظه کوشا بود. کسانی با کمترین بیماری به استراحت می‌روند و خودشان را بازنشسته می‌کنند، اما او تا آخرین نفس به فکر کار و زندگی بود».علی مرادخانی، معاون هنری وزارت ارشاد، نیز اظهار کرد: «بسیار متأسفم که در اولین روز هفته برای عزیزی اینجا جمع شده‌ایم که دوست داشتیم او را در صحنه تئاتر شهر ببینیم. مصطفی عبداللهی یک ماه گذشته نزد من آمد و در مورد بیماری‌اش صحبت‌هایی کرد و قرار شد بدون توجه به این مسائل کارش را پیش بگیرد. او به‌درستی به قول خود پایبند بود».

در پایان، پیکر مصطفی عبداللهی پس از خواندن نماز توسط حجت‌الاسلام دعایی، به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) تشییع شد.

معرفی برندگان سینه‌فونداسیون و دو هفته کارگردانان

۱۰ پرش، «نخل سگ» را به «لاکی» داد

عکس: Reuters

سحر آزاد: برندگان بخش سینه‌فونداسیون و دوهفته گارگردانان درحالی چندروز قبل از پایان رسمی شصت‌وهشتمین جشنواره فیلم کن معرفی شدند که یکی از بخش‌های حاشیه‌ای این رویداد شامل «نخل سگ» به «لاکی» در فیلم «شب‌های عربی» رسید.

چندروز پیش از اعلام نهایی برندگان نخل کن، برگزیدگان دو بخش سینه‌فونداسیون و دوهفته کارگردانان که دارای داوران مشترکی به ریاست عبدالرحمان سیساکو فیلم‌ساز موریتانیایی، هستند، روز جمعه معرفی شدند. در بخش سینه‌فونداسیون، جایزه اول به فیلم «سهم» (Share)، به کارگردانی پیپا بیانکو، از کارگاه کارگردانی زنان وابسته به مؤسسه فیلم آمریکا و جایزه دوم به ایگناسیو یوریچیچ مریان، کارگردان شیلیایی، برای «ملکه‌های گمشده» «Locas Perdidas» رسید. ماریا گوسکووا برای فیلم «بازگشت ارکین» (The Return of Erkin) از روسیه و ایان گاریدو لوپز برای «ویکتور ایکس‌ایکس» (Victor XX) از اسپانیا نیز به‌طور مشترک جایزه سوم بخش سینه‌فونداسیون را گرفتند. جوایز سینه‌فونداسیون به فیلم‌های دانشجویی از سراسر جهان اعطا می‌شود که در سال ۱۹۸۸ از سوی ژیل ژاکوب، رئیس سابق جشنواره کن، راه‌اندازی شد. «کشتارگاه»، به کارگردانی بهزاد آزادی، از دانشگاه هنر تهران یکی از فیلم‌های بخش سینه‌فونداسیون بود که موفق به کسب جایزه نشد. همچنین در چهل‌وهفتمین دوره دوهفته کارگردانان هم که پنجشنبه برگزار شد، فیلم «آغوش مار» به کارگردانی سیرو گوئرا از کلمبیا، جایزه اصلی را از آن خود کرد. این فیلم سیاه‌وسفید، سفری افسانه‌ای به دوران استعماری در آمازون است و دو سفر موازی از دو قوم متفاوت را روایت می‌کند که هردو در جست‌وجوی گلی نادر هستند. تریلر آرژانتینی «پائولینا» (Paulina)، به کارگردانی سانتیاگو میتره، جایزه بزرگ نسپرسو را برد. «سرزمین و سایه» (Land and Shade) با دریافت جایزه SACD جامعه نویسندگان و آهنگ‌سازان دراماتیک، همین‌طور جایزه ویژه‌ی شبکه چهار فرانسه، دومین پیروزی سینمای آمریکای‌لاتین در بخش هفته منتقدان کن را رقم زد. فیلم فرانسوی «جبهه واخان» (The Wakhan Front)، به کارگردانی کلمان کوژیتور، که داستان آن در افغانستان روی می‌دهد، فیلم منتخب بنیاد گان شد. جایزه کانال پلوس بهترین فیلم کوتاه نیز به فیلم «رامونا» (Ramona) رسید و «آبله‌مرغان» (Chickenpox)، ساخته فولویو ریسوئلو، جایزه دیسکاوری سینه‌آلتا سونی را از آن خود کرد.

اهدای قلاده الماس‌نشان: یکی دیگر از برنامه‌هایی که در حاشیه شصت‌وهشتمین جایزه کن برگزار شد، اهدای جایزه نخل سگ بود که از سال ۲۰۰۱ در بخش جنبی کن برگزار می‌شود. این جایزه یکی از پربیننده‌ترین مراسم جنبی جشنواره کن است که هرسال به یک سگ زنده یا انیمیشن تعلق می‌گیرد. جایزه «نخل سگ» به‌همراه تندیس آن که شامل یک قلاده الماس نشان که روی آن کلمات «نخل سگ» نوشته شده. روز جمعه، در پاویون کشور انگلستان به «لاکی»، سگی از نژاد پودل اهدا شد. این سگ در فیلم پرتغالی «شب‌های عربی» بازی کرده بود و کیت مویر، منتقد فیلم، هنگام اهدای این جایزه گفت که لاکی ۱۰ نوع پرش مختلف در این فیلم انجام داده و در برخی از صحنه‌ها با پارس‌کردن نیز در گفت‌وگوها شرکت کرده است. «باب» هم که در فیلم «خرچنگ دریایی» با بازی کالین فارل و راشل وایز بازی کرده بود، رتبه دوم این رقابت را کسب کرد. با وجود اینکه این جایزه طی ۱۴ سال گذشته برگزار شده، اما همچنان مورد انتقاد برخی از فرانسوی‌ها قرار دارد و آنها معتقد هستند اختصاص جایزه‌ای برای یک سگ در چنین جشنواره‌ای بی‌معناست چنان‌که یکی از گزارشگران فرانسوی که برای «یاهو نیوز» کار می‌کند، گفت: «من سگ‌ها را دوست دارم ولی از نظر یک فرانسوی اهدای جایزه به یک سگ در جشنواره فیلم سینمایی کمی غیرمأنوس است. انگلیسی‌ها کمی عجیبند، بگذارید آنها این کار را بکنند».او با بیان اینکه پیش‌بینی‌هایش همیشه درست بوده، عنوان کرده است که جایزه اصلی به فیلم «کارول» می‌رسد. براساس پیش‌بینی او، جایزه بزرگ به هو هشیائو-هشین برای فیلم «قاتل»، جایزه بهترین کارگردانی به لازلو نمس برای «پسر سائول»، جایزه ویژه هیأت‌داوران به متیو گارونه برای «قصه قصه‌ها»، جایزه بهترین بازیگر مرد به تیم راث برای «وخیم»، جایزه بهترین بازیگر زن به ژآنو تائو برای «شاید کوه‌ها حرکت کنند»، جایزه بهترین فیلم‌نامه‌نویس به یورگس لانتیموس و افتیمیس فیلیپو برای «خرچنگ» اهدا می‌شود. شصت‌وهشتمین جشنواره فیلم کن امروز یکشنبه ۲۴ می (سوم خرداد) با معرفی برندگان بخش مسابقه به کار خود پایان می‌دهد.

یاد دوست

خاموشی صدای «دوستی»

● **شرق:** خبر کوتاه بود. مهران دوستی دار فانی را وداع گفت، اما پذیرش خبر به این راحتی نبود؛ صدایی که خاطره سالیان مردم است و همواره خاطره‌هایی با شنیدن صدایش زنده می‌شود؛ چه زمانی که در زمان جنگ ایران و عراق اطلاعیه‌های ارتش با صدای او خوانده می‌شد و چه زمانی که اجرای برنامه‌های متنوع و پرمخاطبی مثل رادیو من یا کافه رادیو را در شبکه رادیویی جوان برعهده داشت و بسیاری با طنین صدای همیشه پرانرژی‌اش خاطره دارند. دوستی دوم خردادماه به‌دلیل عارضه تنفسی، از دنیا رفت. او که تا پیش از این نیز با مشکلات قلبی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، سرانجام در ۵۸ سالگی از دنیا رفت.

دوستی در روستای بلده، از توابع نور زاده شد و دانش‌آموخته رشته مکانیک و مهندسی تصفیه آب بود. وی در دوران هشت سال دفاع مقدس از گویندگان رادیو جبهه بود. او در سالیان اخیر به‌عنوان یکی از چهره‌های شناخته‌شده رادیو گویندگی برنامه‌های متعددی را برعهده داشته است. دوستی در چندسال اخیر به‌عنوان گوینده برتر رادیو و نماینده ایران در ABU (اتحادیه رادیو تلویزیونی آسیا-اقیانوسیه) انتخاب شده بود.

فرزاد حسنی از جمله کسانی بود که در آخرین ساعات حیات دوستی، کنارش بود. حسنی در یادداشتی به غم ازدست‌دادن این هنرمند پیش‌کسوت اشاره کرده است: «هرکسی را دوست داشتم، بهار از من گرفت. امشب بالای تخت رفیقم ایستادم، در سکوت اتاق بی‌صدا گریه کردم. به‌خدا سخت است برای کسی که صدای روزگارش بوده، بی‌صدا گریه کنی. به‌خدا سخت است. دلم می‌خواست بغلش کنم، همان‌طور که در استودیوهای رادیو دستم را به دورش حلقه می‌کردم و تنومندی‌اش نمی‌گذاشت، دو دستم به هم برسد. ولی این‌بار نمی‌شد. نمی‌شد عزیزم را در آغوش بگیرم. گرم‌ترین صدای رادیو ایران بر روی تختش خاموش شد. مهران ترجیح داد چشمش را باز نکند. مهران مرگ مغزی شد. مهران رفت! هرکسی را دوست داشتم، بهار از من گرفت. رفیق! استاد! خداحافظ. مهران دوستی، خداحافظ همین حالا...». پیکر این گوینده رادیو، صبح روز دوشنبه چهارم خرداد، از مقابل مسجد بلال سازمان صداوسیما تشییع می‌شود.

رویداد

جشن عکاسان سینما برپا شد

● **شرق:** نخستین جشن عکاسان سینمای ایران با اعلام برگزیده نهایی و تقدیر از اهالی همراه سینما با این صنف به کار خود پایان داد. اختتامیه نخستین جشن عکاسان سینمای ایران با حضور هنرمندان سینما و تئاتر، عکاسان انجمن‌های مختلف و علاقه‌مندان به رشته‌های هنری، شامگاه جمعه، اول خردادماه، در باغ‌موزه قصر برگزار شد؛ جشنی که در آن علاوه بر رضا کیانیان و مهتاب کرامتی، اکبر اصفهانی، علی نیک‌رفتار، غوغا بیات، منوچهر محمدی، منوچهر شاهسواری، مهدی عسگرپور، مصطفی کیایی و نهایتا ایران انتظام تقدیر شدند. حافظ احمدی، رئیس انجمن، عکاسان سینما و دبیر نخستین جشن این انجمن، نخستین سخنران مراسم بود. در ابتدا از اکبر اصفهانی، علی نیک‌رفتار و غوغا بیات به‌عنوان سه پیش‌کسوت انجمن عکاسان سینما و از شهاب‌الدین عادل، به‌عنوان پژوهشگر برگزیده عرصه هنر و سینما تقدیر شد. جمشید هاشم‌پور، فرهاد توحیدی، همایون اسعدیان و هادی مشکات برای اهدای جوایز این چهارنفر روی سن آمدند. در ادامه این مراسم از رضا کیانیان و مهتاب کرامتی به‌عنوان دو بازیگری که توجه ویژه به عکاسی فیلم دارند، تقدیر شد. فرشته طائرپور و کمال تبریزی جوایز این دو بازیگر را اهدا کردند. سپس نوبت به منوچهر محمدی و منوچهر شاهسواری رسید که به‌عنوان دو تهیه‌کننده از طرف انجمن عکاسان سینما مورد تقدیر قرار بگیرند. محمد آلادپوش و سیدرضا میرکریمی برای اهدای جوایز این دو تهیه‌کننده دعوت شدند. در پایان بخش تقدیری‌ها، از محمدمهدی عسگرپور و مصطفی کیایی به‌عنوان دو کارگردان برگزیده انجمن عکاسان سینما تقدیر شد. شاپور پورامین و حافظ احمدی جوایز این دو کارگردان را به آنها اهدا کردند. سپس پنج کاندیدای دریافت جایزه ویژه نخستین جشن عکاسان سینمای ایران روی سن آمدند و با پاکت‌هایی که در اختیار آنها گذاشته شد، یکدیگر را معرفی کردند. ایران انتظام برای فیلم «تابو»، فتاح ذی‌نوری برای فیلم «چندمترمکعب عشق»، سحاب زری‌باف برای فیلم «اشباح»، نوید سجادی‌حسینی برای فیلم «بوفالو» و امید صالحی برای فیلم «خانه دختر» به‌عنوان پنج نامزد دریافت جایزه ویژه روی سن آمدند. در نهایت مرتضی پورصمدی، عضو هیأت‌داوران، پس از قرائت بیانیه، ایران انتظام را به‌عنوان برگزیده اصلی نخستین جشن عکاسان سینمای ایران معرفی کرد. جمشید هاشم‌پور، کاوه سجادی‌حسینی، علی ملاقلی‌پور، رضا کیانیان، کمال تبریزی، محسن و مصطفی کیایی، اسماعیل عباسی، مسعود زنده‌روح‌کرمانی، و... از حاضران در این جشن بودند.